

«دوم بهمن سال ۱۳۲۶ درروستایی به‌نام اوزوم‌کالا (از توابع محال اوزومدیل شهرستان ورزقان) به دنیا آمدم، روستایی سرسبز دردل جنگل های ارسباران. پنج ساله بودم که مادرم را ازدست دادم اما با وجود مشکلات بسیار و شرایط سخت آن دوران، توانستم تا کلاس سوم ابتدایی در روستاهای همجوار محل زندگی‌ام تحصیل کنم تا آنکه در ۹ سالگی (سال ۱۳۳۵) به همراه خانواده به تبریز نقل مکان کردیم و دراین شهر بزرگ به هنر زیبای قالببافی مشغول شدم؛ از همان سال‌ها به موسیقی علاقه‌مند بودم و گهگاهی آواز می‌خواندم، ناگفته نماند این صدای خوب را از پدرم به ارث برده ام... اما شرایط سخت زندگی همچنان گریبانگیر ما بود و کار در آن کارگاه فرشبافی کفاف زندگیمان را نمی‌داد تا آنکه تصمیم گرفتیم به تهران نقل مکان کنیم. سال ۱۳۴۳ به تهران آمدم و به مدت ۵سال ساکن پایتخت بودیم، در یک نانوائی کار می‌کردم و در همان تهران تشکیل زندگی دادم و ازدواج کردم که حاصل آن ۳ پسر است. فرزندانم علاقه‌مند به موسیقی هستند و هر کدام به زیبایی ساز می‌نوازند و در آموزشگاه‌های موسیقی به تدریس مشغول هستند. موسیقی عاشیقی در تبریز بسیار مورد توجه است و عاشیق‌های جوان همچنان میراث دار گذشتگان هستند... ناگفته نماند علاوه بر موسیقی عاشیقی با موسیقی دستگاهی هم بخوبی آشنا هستم.

سال ۱۳۴۵ با تشویق و یاری دوستانم توانستم درآموزشگاه موسیقی با نام «ایران پویا» ثبت‌نام کنم و به مدت دوسال زیر نظر استادم فاریا، ردیف‌های موسیقی ایرانی را آموختم. سال ۱۳۴۸ به تبریز برگشتم و یکسال بعد از آن زمان تصمیم گرفتم موسیقی عاشیقی را به‌صورت حرفه ای دنبال کنم، ابتدا دف و دایره می‌نواختم و

بعد آن زیر نظر استادان بزرگی چون عاشیق رسول قربانی، عاشیق علی بخشی، عاشیق عزیز شهنازی و... قوال نوازی و آواز خوانی را آموختم و این سرآغازی بود برای عاشیقی و عاشق شدن من...»

عاشیق‌ها خنیاگرانی با آواها و نواهایی با ترنم هستند که با الهام از طبیعت از باورها و قهرمانی‌ها سخن می‌گویند و عاشیق حسن اسکندری یکی از همان قهرمانان و آفرینشگر موسیقی عاشیقی است. عاشیق حسن، علاوه بر اجرای موسیقی عاشیقی، دیوانی مشتمل بر آثاری چون قوشماها، گرایلی‌ها و تجنیس‌ها و... منتشر کرده و همچنین خالق مولودی‌های زیبایی چون «ساز لایلاسی»، «میسری‌گولو»، «آذری»، «مجنون دردی»، «آغاخان گرایلی‌سی»، «کرم‌گلدی» و... بوده که درعاشیقی به آن «هاوا» گفته می‌شود.

سینه او گنجینه داستان‌هایی است که هر کدام برگي از تاریخ موسیقی عاشیقی بوده، از داستان حماسی «گوراوغلو» و از پهلوانی‌هایش که در آذربایجان و در دنیا شهره شد و از منظومه‌های عاشقانه چون عاشیق غریب، عاشیق کریم و... سخن می‌گوید و این داستان را تا به امروز سینه به سینه نقل کرده است...عاشیق حسن خود نیز دستي در داستان سربانی دارد و آثاری همچون «آیلار و ائلدار داستانی» و «عاشیق قشم گوروشو» به روایت درآورده است. او همچنین خاطرات خود را در قالب نظم و نثر و به شیوه داستان‌های فولکلوریک آذربایجانی نوشته که به مناسبت شصتمین سال تولدش منتشر شد. به گفته استاد حسن اسکندری امروزه هم عاشیق‌ها، داستان‌های بسیاری می‌گویند اما ماندگاری ندارد و سرانجام رو به داستان‌های قدیمی می‌آورد البته این داستان‌ها بیشتر در مراسم جشن و عروسی خوانده می‌شود که مضمون آن

به دلیل فضاهای بازمانده از جنگ و حال و هوای آن دوران، موسیقی را محدود کردند و اجرای موسیقی عاشیقی ممنوع شد. آن زمان می‌گفتند ما موسیقی را همراه با شاه از مملکت بیرون کردیم. بنابراین نباید اجرا و شنیده شود. ناگفته نماند تاوان و تعهدهای بسیاری هم داده‌ایم چرا که با تمام این مخالفت‌ها و ممنوعیت‌ها همچنان

در مراسم عروسی، موسیقی خود را اجرا می‌کردیم اما هر شب کمیته ما را می‌گرفت و مجبور به تعهد بودیم و دوباره همان کار تکرار می‌شد البته بیشتر اصرار مردم بود، می‌گفتند ما با کلي قرض توانسته‌ایم برای فرزندانمان عروسی بگیریم و این خواهش را داریم در مراسم ما شرکت کنید.... نمی‌دانم دلیل این مخالفت‌ها و ممانعت‌ها چه بود

چرا که موسیقی عاشیقی موسیقی اصیل و فولکلور ایران است و بهتر بود در حفظ آن تلاش می‌کردند نه در از بین بردنش. خلاصه آنقدر بیشتر اصرار مردم بود، می‌گفتند ما با کلي قرض توانسته‌ایم،» او بیان می‌کند: «خیلی خوشحالم که جوانان امروز موسیقی اصیل و بویژه موسیقی عاشیقی را دنبال می‌کنند البته چون برگزاری مراسم

عاشیق حسن اسکندری در طول فعالیت هنری خود، کنسرت‌های بسیاری در داخل و خارج از ایران برگزار کرده است از شیراز، اصفهان، چین، ازبکستان، قزاقستان، اسلواکی، اتریش، اسلونی، مجارستان، چک، ترکیه و... او در

www.iran-newspaper.com
editorial@iran-newspaper.com

گزارشی از گفت‌وگو با عاشیق حسن اسکندری

به بهانه تجلیل از مقام هنری او در سی و پنجمین جشنواره موسیقی فجر

خود را وامدار موسیقی فولکلور می‌دانم

گفت‌وگوها: ندا سیجانی

«سال‌ها با موسیقی گریه‌کردم و خندیدم و آن رسالتی که به‌گردن داشتم تا آنجا که در توانم بود به‌سرانجام رساندم و حالا در سن ۷۲ سالگی کاملاً خوشبختم،» صحبت از عاشیق حسن اسکندری است، خنیاگر موسیقی عاشیقی، شاید خیلی‌ها با نام و هنر او بیگانه باشند اما تاریخ موسیقی ایران او را خوب می‌شناسد و به‌حافظه سپرده است. عاشیق‌ها را می‌توان در نام و هویت‌شان جست‌وجو کرد؛ بی‌ادعا و فارغ از هر رنگ زمانه؛ هنرشان پرورش یافته دامن طبیعت است. عارفان نغمه‌سرا که پلی بین گذشته و آینده هستند و داستان‌های تلخ و شیرین روزگار را با ساز و آواز زمزمه می‌کنند. سازشان بالابان، قوال و قویوز است و آوازشان منظومه‌های حماسی، عاشقی و اساطیری و وارث یکی از غنی‌ترین بخش‌های ادبیات و فرهنگ شفاهی دنیا، اگر چه امروز در کوچه‌پس‌کوچه‌های روستاها و شهرهای تبریز کمتر صدای عاشیقی شنیده می‌شود اما این موسیقی با وجود

استادان بازمانده از گذشته هنوز زنده است و نفس می‌کشد. استاد حسن اسکندری از عاشیق‌های مشهور آذربایجان شرقی است او در معرفی هنرش سال‌های بسیاری تلاش کرده است. کنسرت‌های او از سال ۱۳۵۵ در دانشگاه‌های ایران پا گرفت و تاکنون هم ادامه دارد. قرار است در سی و پنجمین جشنواره موسیقی فجر علاوه بر اجرای موسیقی در آخرین روز جشنواره از مقام هنری این هنرمند تجلیل به عمل آید. هنرمندی دارای نشان درجه یک هنری و نشان تبریز که حضورش در جشنواره موسیقی فجر به سال ۱۳۶۴ می‌رسد، همان سال نخست این جشنواره که به‌همراه چند عاشیق دیگر به جشنواره فجر دعوت شد؛ و این آغازی بود بر ارج گذاری به موسیقی عاشیقی، از آن پس او و گروهش در همه جشنواره‌های فجر حضور یافته و جوایزی دریافت کردند.... از جشنواره موسیقی فجر بیش از ۳۰ سال می‌گذرد و بعد از سال‌ها این بار نوبت عاشیق حسن اسکندری است.

نوازنده سنتور اجرای برنامه خواهند داشت.

■ آیا عنوان دولتی بودن سبب ایجاد فاصله هنرمندان با جشنواره موسیقی فجر شده است؟

قطعاً بی‌تأثیر نبوده اما به نظر من این موضوع نباید مهم و اثرگذار باشد، چرا که جشنواره موقعیت خوبی است بویژه برای دانشجویان و هنرجویان موسیقی که می‌توانند با تهیه بلیت ارزان‌تر از اجرای هنرمند مورد علاقه خود لذت ببرند. اما سالی که با آقای درخشانی شرکت کردم فکرمی‌کنم شرایط خیلی بهتر بود. به یادم دارم بخش نسل دیگر هم در جشنواره اجرا داشت و اتفاق خیلی خوبی بود به هر حال فرصتی برای ارائه آثار جوانان است.

■ پیشنهاد شما برای بهتر برگزار شدن جشنواره موسیقی فجر چیست؟ با توجه به اینکه این جشنواره در دنیا کم نظیر است اما تا به امروز نتوانسته‌ایم از این موقعیت خوب بهره ببریم.

نخستین اقدام این است که سیاستگذاران و دبیران با تجربه انتخاب شوند؛ تغییر و تحولات هر سال سبب می‌شود مسیر جشنواره هدف مشخصی را طی نکند. حتی اینگونه تصور می‌شود در انتخاب دبیران هیچ تدبیر و اندیشه‌ای نبوده و باری به هرجهت حضور دارند. بنابراین باید برنامه‌ریزی‌های درستی انجام بگیرد تا علاقه‌مندان بیشتری را به خود جذب کند. نکته دیگر بحث تبلیغات است که قطعاً تأثیر ویژه‌ای دارد هر چند شرایط خاص موسیقی در کشورمان موجب شده از انعکاس آن در تلویزیون بی‌بهره باشیم.

■ آیا در این سال‌ها به بخش موسیقی و آوازی توجه شده است؟

خیر و باید این موضوع را مورد توجه قرار داد چرا که اصل و اساس موسیقی ایرانی آواز است که متأسفانه آرام آرام در حال فراموشی است. البته برای من پر شدن سالن خوب نیست. اجرای سال گذشته ما در ایوان شمس بود اما پیشنهاد کردم این برنامه در تالار رودکی برگزار شود و علی‌رغم اینکه سالن کوچکی است از استانداردهای بالایی برخوردار است. برنامه ما این است که به

شاید به این خاطر که دیگر آواز خوب پخش نمی‌شود آن دوران و در برنامه رادیویی موسیقی گله‌ها رنگ‌های آوازی متنوع و خواننده‌های بنام و قدری حضور داشتند، استادان بزرگی چون بنان، قوامی، ایرج، گلپا شجریان و... که هر کدام سبک خاص خود را ارائه می‌کردند و انواع و اقسام مکتب‌های آوازی به زیبایی هر چه تمام‌تر به گوش می‌رسید، حتی خواننده‌های پاپ و کوچه بازار آن زمان هم یک نت فالش نمی‌خواندند. اما صداهایی که امروز از خوانندگان موسیقی پاپ شنیده می‌شود شبیه یک نوع نوحه خوانی است که از گریه و زاری کردن هم بدتر است اما اگر آواز به زیبایی اجرا شود، خواهید دید چه معجزه‌ای در موسیقی آوازی رخ خواهد داد. ناگفته نماند در این باره رسانه ملی نقش مهمی دارد چرا که مخاطبان کثیری را پای برنامه خود می‌نشاند بنابراین وظیفه دارد کار خوب به گوش مردم برساند که متأسفانه چنین موضوعی حتی اندک شمار هم دیده و شنیده نمی‌شود.

■ آیا با گذشت این سال‌ها و تغییر در ذائقه شنیداری مردم، جامعه امروز پذیرش موسیقی آوازی را خواهد داشت؟

در حال حاضر هم اگر موسیقی خوب به گوش مردم برسد برایشان عجیب و دلگیر است. اما با این اوصاف هنوز هم جامعه ما پذیرش موسیقی و آواز خوب را دارد. خوانند نادرست شعر و صدای فالش و تحریرهای اضافی قطعاً مردم



حسین ایبائلو آهنگساز گروه

گفت‌وگو با مظفر شفيعی خواننده و مدرس آواز سنتی

■ بعد از حضور در چند دوره جشنواره موسیقی فجر، ارزیابی شما از تنها جشنواره بزرگ موسیقی ایران چیست؟

اولین باری که در جشنواره شرکت کردم سال ۷۷- ۷۸ بود. آن زمان همراه با عرفان گنجه‌ای (برادرزاده آقای داوود گنجه‌ای) در تالار وحدت اجرا داشتیم بعد از آن در سی امین جشنواره موسیقی فجر به دبیری آقای حمید رضا نوربخش و با همراهی آقای مجید درخشانی در جشنواره شرکت کردم. سال گذشته هم با گروه «روشنا» و با همراهی

در این روزهای نابسامان موسیقی، بویژه موسیقی آوازی، شاید تعداد اندک شماری از هنرمندان و استادان موسیقی باشند که دغدغه آواز دارند و در حفظ و آموزش صحیح آن تأکید می‌کنند، آوازی که اصل و اساس موسیقی ایران است اما بی‌توجهی و کم‌اهمیتی متولیان‌ش موجب شده آرام آرام به‌طور طه نابودی برود و از بعد انقلاب تا به امروز تنها با حضور تعداد انگشت‌شمار خواننده، موسیقی آوازی در کش‌وقوس روزگار پرتلاطم خود باشد. مظفر شفيعی یکی از همان خواننده‌های دغدغه‌مند است؛ خواننده، مدرس آواز و ریدفان موسیقی سنتی ایرانی. او دوره آموزشی ردیف را نزد استاد شجریان گذرانده و استاد بارها از شفيعی به‌عنوان یکی از شاگردان برگزیده خود نام برده است. قرار است در آخرین روز سی و پنجمین جشنواره موسیقی فجر مظفر شفيعی به همراه هادی منتظری نوازنده شناخته‌شده کمانچه در بخش موسیقی دستگاهی اجرای برنامه داشته باشند. به بهانه این جشنواره گفت‌وگویی با وی انجام شده که به مشکلات آواز، تقلید و تکرار در موسیقی پرداخته است.